



بیانات مقام معظم رهبری در خطبه های نماز جمعه تهران - 28 / بهمن / 1373

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. احمده و استعينه و استغفره واتوب اليه. و اصلي و اسلم علي حبيبه و نجيبه و خيرته في خلقه و حافظ سرّه و مبلغ رسالاته ؛ بشير رحمته و نذير نعمته ؛ سيّدنا و نبينا و حبيب قلوبنا و شفيع ذنوبنا، ابي القاسم محمّد و علي آله الأطيبيين الأطهرين المنتجبين ؛ الهداة المهديين المعصومين المطهرين المكرمين. سيّما بقية الله في الارضين. قال الله الحكيم في كتابه: «و اذا سألك عبادي عني، فاتي قريباً. اجيب دعوة الدّاع اذا دعان. فليستجيبوا لي و ليؤمنوا بي لعّتهم يرشدون.»

همه برادران و خواهران عزيز نمازگزار و همچنين نفس خود را به رعايت تقواي الهي توصيه مي كنم. رعايت عظمت حضرت باري تعالي و حضور هميشگي و همه جايي آن ربّ غفور و دود و بصير عليم، حتي در خاطرات ذهني و خطورات قلبي و آنچه نسبت به ديگران مي انديشيم و تصميم مي گيريم - چه رسد به اعمال و رفتار و احساسات - كه در همه اينها حضور الهي و حضور حضرت احييت و حضور علم شامل حق تعالي را به فراموشي نسپاريم و حس كنيم، تقواست. اين ماه، ماه تقواست كه از نيمه آن گذشته ايم. در اين مدت، خدائي متعال، دلهايي را نوراني کرده، جانهايي را مشمول مغفرت و آمرزش نموده و انسانهايي را به فضل خود، نواخته است. آيا ما جزو آنها هستيم؟ اگر نباشيم، فرصت كم است. اما بهترين فصل دعا و توجه و تضرّع و خشوع كه شبهاي قدر است، پيش روي ماست. بنده امسال، از اوّل ماه رمضان، براي شبهاي قدر، نگراني اي داشتم ؛ چون اوّل ماه براي ما ثابت نشده بود. روز چهارشنبه اوّل ماه رسمي و تقويمي بود ؛ اما شب چهارشنبه، به ما خبر نداده بودند كه ماه ديده شده است ؛ و ثابت نبود. بنده اين دغدغه را داشتم كه نكند ما ملت ايران، امسال شب قدر را درك نكنيم! از اوّل ماه، برادران ما در دفتر پيگير بودند كه ببينند آيا مي شود كساني را يافت كه شب چهارشنبه يا شب پنجشنبه، هلال را رؤيت کرده باشند؟ ديشب، خداوند متعال اين عيدي را به ما داد و به فضل او ثابت شد كه چهارشنبه، اوّل ماه بوده است. بنا بر اين، امروز هفدهم و امشب شب هجدهم است و فردا شب نوزدهم، اوّل ليالي قدر است. اميدواريم كه ملت ايران اين شبها و روزها و آن ساعات ذي قيمت را قدر بدانند و تا آن جا كه ممكن است، خود را از فضيلت آن ساعات بهره مند كنند.

امروز مردّد بودم كه در خطبه اوّل، راجع به اميرالمؤمنين عليه الصّلاة والسّلام كه اين ايام متعلّق به آن بزرگوار است صحبتي شود، يا درباره دعا. ديدم اميرالمؤمنين عليه الصّلاة والسّلام هم، در راه تضرّع و خشوع و تقرب الي الله به شهادت رسيده است. اميدواريم كه ملت ايران در اين ايام، راجع به آن بزرگوار سخنان زيادي بشوند. درباره دعا، بحث مستقلي لازم است و جا دارد كه در طول اين مدتهاي مديد، يك خطبه را اختصاص به دعا بدهيم. من ترجيح دادم كه امروز، چند مطلب درباره دعا عرض كنم. تقريباً بعضي از امّهات مسائل مربوط به دعا را در خطبه اوّل عرض مي كنم:

يك مطلب اين است كه در دعا، سه چيز نهفته است كه اين سه چيز، فوايد و دستاوردهاي دعاست. دعائي نيست كه از دو تاي اين سه چيز، خالي باشد ؛ چه دعاهاي مأثور كه از معصومين عليهم السّلام رسيده است و چه دعاهايي كه يك انسان، خودش از روي طلب و نياز به خدائي خود عرض مي كند. دو چيز حتماً در اين دعاها هست. و اما بعضي دعاها، سه چيز علاوه بر اين دو چيز دارند كه اين سه چيز، خيلي مهم است. يكي از اين سه چيز، عبارت است از آن مقصود عمومي از دعا ؛ يعني خواستن و گرفتن از خداوند متعال. ما انسانها نيازهاي زيادي داريم و وجودمان سر تا پا نياز است. اگر در وجود خودتان دقت كنيد، مي بينيد از تنفس كردن و غذا خوردن گرفته تا راه رفتن و گوش كردن و ديدن، همه و همه حاكي از نياز ما انسانهاست. يعني خدائي متعال، مجموعه اي از امكانات و



نیروها را در اختیار من و شما قرار داده است که با آنها می‌توانیم زندگی کنیم و همه نیز تحت اراده پروردگار است. هر کدام از این نیروها و امکانات کمبود پیدا کند، انسان دچار مشکل اساسی در زندگی خود می‌شود. مثلاً یک رگ یا یک رشته عصب از کار بیفتد، یک عضله مشکل پیدا کند، تا برسد به مسائل بیرون از وجود انسان یا مسائل روحی یا مسائل اجتماعی.

بشر، سر تا پا نیاز است. رفع این مشکلات و تأمین این نیازها را از چه کسی باید بخواهیم؟ از خدای متعال که او حاجات ما را می‌داند. «وأسئلو الله من فضله ان الله کان بکلّ شیء علیما.» خدا می‌داند شما چه می‌خواهید، چه لازم دارید و چه چیز از او می‌طلبید و سؤال می‌کنید. پس، از خدا بخواهید. در جای دیگر، می‌فرماید: «و قال ربکم: ادعونی استجب لکم.» پروردگار شما فرموده است: «دعا کنید مرا» یعنی «بخوانید مرا؛ من به شما جواب می‌دهم.» البته این جواب دادن، به معنای برآمدن حاجت نیست. می‌گوید: «جواب می‌دهم و لبیک می‌گویم»؛ استجب لکم. اما این استجاب الهی، در بسیاری از موارد با دادن حاجت و آن چیز مورد درخواست شما همراه است. پس، این مطلب اولی که انسان نیازهایی دارد، و رفع این نیازها را، باید از خدا بخواهد. باید در خانه خدا رفت، تا از تضرع پیش دیگران، بی‌نیاز شد.

چون روز جمعه و روز توجّه و روز معرفت به کلمات نبی اکرم و ائمه علیهم السلام است، چند حدیث کوتاه و مختصر بخوانم. در حدیثی آمده است: «افضل العبادۃ الدعاء.» بهترین عبادتها، دعاست. حدیث دیگر، حدیث نبوی است. آن حضرت، به اصحاب خود فرمود: «علی ادلکم علی سلاح ینجیکم من اعدائکم و یدر ارزاقکم» «آیا می‌خواهید سلاحی را به شما نشان دهم که هم شما را از دشمن حفظ می‌کند و نجات می‌دهد و هم روزی تان را فراوان می‌کند؟» این، همان خواستن از خدا برای برآورده شدن حاجات است. «قالوا: بلی یا رسول الله.» «عرض کردند: بلی؛ بفرمایید.» فرمود: «قال تدعون ربکم.» «خدا را دعا کنید؛ خدا را بخوانید.» «باللیل والنهار.» «شب و روز.» «فانّ سلاح المؤمن الدعاء.» «سلاح مؤمن، دعاست.» یعنی دنبال حاجات رفتن، با سلاح دعا. با دشمن، با حادثه و با بلیّه در افتادن، با سلاح دعا.

یک روایت از حضرت سجاد علیه السلام است که می‌فرماید: «الدعاء یتبع البلاء نازل و ما لم ینزل.» «هم بلایی که به سوی شما آمده است با دعا دفع می‌شود و هم بلایی که نیامده است. یعنی اگر دعا نکنید، آن بلا متوجّه شما خواهد شد.»

مسأله بسیار مهمی است. خداوند متعال، وسیله‌ای به انسان داده است که انسان می‌تواند حوائج خود را - مگر در موارد استثنایی که به آن اشاره می‌کنم - با آن برآورده کند. آن وسیله چیست؟ خواستن از خدای متعال است. کلامی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که ایشان - بنا بر نقل - فرموده اند: «ثم جعل فی یدک مفاتیح خزائنه، بما اذن فیه من مسألته.»؛ «خدای متعال، به این که به تو اذن داد از او بخواهی، کلید همه گنجینه‌های خود را در دست تو قرار داد.» پس، اذنی که خداوند متعال داد تا هر چه می‌خواهی از او بخواهی، کلید همه خزائن الهی است. اگر انسان این کلید را به شکل درست به کار ببرد - از خدا بخواهد - مسلماً آن را در اختیار انسان می‌گذارد. «فمتی شعت استفتحت الدعاء ابواب خزائنه.» هر وقت بخواهی، به وسیله دعا، در خزائن الهی را باز می‌کنی. ببینید! این، مسأله بسیار مهمی است. چرا انسان خود را از این وسیله مهم محروم کند؟!

در این جا، چند سؤال مطرح می‌شود: یکی این که، اگر دعا، چنین نقش معجزآسایی دارد، پس این وسایل دنیوی و این ابزارها و علم و صنعت و نظایر آن چیست؟ جواب این است که دعا رقیب ابزارهای مادی نیست. این طور نیست که وقتی انسان می‌خواهد به مسافرت برود، یا با خودرو و قطار و هواپیما عازم شود و یا با دعا برود! همچنین این طور نیست که اگر انسان بخواهد وسیله‌ای به دست آورد، یا پول خرج کند و یا اگر پول نداشت به دعا متوسّل شود و آن وسیله را به دست آورد! معنای دعا این است که شما از خدا بخواهید تا او این وسایل را جور بیاورد. آن وقت علل



مادّی، هر کدام در جای خودشان قرار می‌گیرند. دعای مستجاب این گونه است. وقتی دعا می‌کنید که حاجتی از شما برآورده شود، اگر خدای متعال آن دعا را مستجاب کند، استجابتش این است که ابزارهای مادّی و عادی و معمولی این خواسته، جور می‌شود. یعنی خدا جور می‌آورد. فرضاً شما از کسی طلبی دارید که آن کس طلب شما را نمی‌دهد. اما یک وقت به دلش می‌افتد و می‌آید طلبتان را می‌دهد. این، یک وسیله است. چه مانعی دارد که دعا این وسیله را برای انسان جور کند؟ همه وسایل عالم از این قبیل است. بنابراین، دعا موجب نشود کسی تنبلی کند. دعا موجب نشود که کسی از دانش و علم و ابزار مادّی و علت و معلول طبیعی، دست بشوید؛ نه. دعا رقیب آنها نیست، بلکه در طول آنهاست. دعا، جور آورنده آنهاست.

البته غالباً این طور است. ضمناً بعضی مواقع، خدای متعال معجزه هم نشان می‌دهد که آن بحث دیگری است. معجزه در موارد استثنایی رخ می‌دهد و در غیر موارد استثنایی، دعا جور کننده روال عادی است. وقتی شما از خدا می‌خواهید حادثه‌ای اتفاق بیفتد که به آن نیاز دارید، در کنار دعا، باید نیرویتان را هم به کار ببندید. مثلاً اگر احساس تنبلی به شما دست می‌دهد و دعا می‌کنید که خدای متعال این احساس را از شما بگیرد، در کنار دعا، باید اراده و همت نیز به خرج دهید. یعنی در این جا هم، باز وسیله مادّی و وسیله طبیعی دیگری هست که همان همت کردن است. باید همت و اراده کنید. هیچ کس خیال نکند که اگر در خانه بنشینیم و به تلاش و اقدام نپردازیم، حتی اراده هم نکنیم و فقط به دعا مشغول باشیم، خدا حاجاتمان را برآورده می‌کند؛ نه. چنین چیزی امکان ندارد. پس، دعا در کنار تلاش و با تلاش است. بعضاً خیلی از تلاشها به نتیجه نمی‌رسد؛ اما همین که دعا کردید، به نتیجه خواهد رسید. این، یک نکته.

مطلب دیگر این است که گاهی هر چه انسان دعا می‌کند، مستجاب نمی‌شود. علت چیست؟ روایات دینی، این مشکل را برای ما حل کرده‌اند. مثلاً در روایات آمده است که اگر شرایط دعا وجود نداشته باشد، دعا مستجاب نمی‌شود. بالأخره دعا هم شرایطی دارد. بزرگان دین فرموده‌اند: «کارهای نشدنی را از خدای متعال نخواهید.» در روایتی آمده است که روزی یکی از اصحاب نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حضور پیغمبر دعا کرد و گفت: «اللهم لاتحتجني علي احداً من خلقك»؛ «خدایا، مرا محتاج هیچ آفریده‌ای نکن.» «فقال رسول، صلی الله علیه و آله: لا تقولنها کذا.» «پیغمبر، صلی الله علیه و آله فرمود: این طور نگو.» «فلیس من احداً الا و هو محتاج الي التاس.» مگر می‌شود که یک انسان، محتاج دیگران نباشد؟ «نگو که خدایا مرا محتاج هیچ کس نکن. این، خلاف طبیعت بشری، خلاف سنت الهی و خلاف طبع نهاده پروردگار در وجود انسان است.» چرا می‌گویید «خدایا، مرا محتاج هیچ کس نکن»؟ این دعا، مستجاب نمی‌شود. آن فرد، عرض کرد: «یا رسول الله! پس چگونه دعا کنم؟» فرمود: «قل اللهم لاتحتجني علي شرار خلقك.» «بگو: خدایا! مرا محتاج اشرار از بندگان خود مکن. مرا نیازمند مردمان شریر مکن. مرا محتاج انسانهای لئیم مکن. این درست است. این می‌شود. این را از خدا بخواه.» پس، اگر چیزی را از خدای متعال طلب کردیم که نشدنی و به خلاف سنتهای معمولی عالم است، برآورده نمی‌شود.

یکی از شرایط استجاب دعا این است که آن را با توجه مطرح کنیم. گاهی لقلقه زبان، جملاتی چون «خدایا ما را بیامرز.»، «خدایا به ما سعه رزق بده» و «خدایا قرض ما را ادا کن» است. ده سال انسان این گونه دعا می‌کند، اصلاً مستجاب نمی‌شود. این فایده‌ای ندارد. یکی از شرایط دعا این است که فرمود: «اعلموا ان الله يقبل الدعاء عن قلب غافل» خداوند متعال، از صاحب دل غافل - دلی که متوجه نیست چه خواسته‌ای را مطرح می‌کند و با که دارد حرف می‌زند - دعایی را قبول نمی‌کند. معلوم است که دعای دارای این ویژگیها، مستجاب نمی‌شود. باید تضرع کنید و جدّی بخواهید. باید از خدای متعال با الحاح بخواهید. باز بخواهید و باز بخواهید. در این صورت البته خدای متعال دعاها را مستجاب خواهد کرد.



یک مطلب دیگر در باب دعا این است که برای برآمدن حاجات، هیچ حاجتی را آن قدر بزرگ نشماریم که بگوییم: «این حاجت را دیگر نمی شود از خدا خواست، چون خیلی بزرگ است.» نه. اگر حاجت، به خلاف طبیعت و سنن آفرینش نیست، اگر محال نیست، هر چه هم بزرگ باشد، مسأله ای نیست و از خدا بخواهید. شما در هر روز از ماه رمضان - بنابر مأثور - بعد از هر نماز می گوئید: «اللهم ادخل علي اهل القبور السرور. اللهم اغن كل فقير.» از خدا می خواهید همه فقرا را غنی کند. فقط فقراي ايران را نمی گوئید. «اغن كل فقير» یعنی همه فقراي اسلام غنی شوند. اینها، خیلی مهم است. (من در آن جهت دوم، باز هم، ان شاء الله، به همین موضوع برمی گردم.) خواسته و حاجت بزرگی است، وقتی می گوئید «خدایا، همه فقرا را غنی کن.» خوب؛ از خدا می خواهیم. چرا نشود خواست؟! اگر موانع بر سر راه غنی شدن برطرف گردد، چرا نشود؟! پدیده فقر که یک امر ذاتی در جامعه نیست. فقر در جوامع بشری، یک امر تحمیلی است. فقر را قدرتهای ستمگر و زورگو و زیاده طلب عالم، بر افراد و بر ملتها تحمیل می کنند. اگر این قدرتها از میان بروند، چرا دعای «اللهم اغن كل فقير» مستجاب نشود؟! ممکن است چنین حاجتی برآورده شود.

در ادامه این دعا می گوئید: «اللهم اشبع كل جائع. اللهم اكس كل عريان.» انسان حاجتی به این کلانی از خدا می خواهد! در دعای سحر روز جمعه - که مستحب است - دعایی کوتاه، اما بسیار خوب است. اگر توفیق پیدا کردید، حتماً این دعا را بخوانید. اول درخواستهایی از خدا می شود و بعد این عبارت می آید: «الهي طموح الآمال قد خابت الا لديك و معاكف الهمم قد تعطلت الا عليك»؛ «خدایا! آرزوهای سرکش و بزرگ و خواسته های عظیم، محکوم به نومیدی هستند؛ مگر وقتی که با تو مطرح شوند.» کاروان طلبه های ما، از راه رفتن، محکوم به باز ماندنند؛ مگر وقتی که در خانه تو بیایند.

خداوند از حاجت بزرگ انسان که هراسی ندارد! از خدا، هر چه بزرگتر بخواهید. مبدا یک وقت انسان با خود بگوید: «خوب؛ من این چیزی را که می خواهم، اگر برای خودم بخواهم، قابل شدن است. اما طلب عافیت برای همه انسانها، خیلی بزرگ است. چطور این را از خدا بخواهم؟!» نه؛ بخواهید. برای بشریت بخواهید. برای همه انسانها بخواهید. بعضی چیزها را برای همه مسلمین بخواهید. در همین دعا، عبارت «اللهم اصلح كل فاسد من امور المسلمين»، از آن مسلمانان است. مخصوص دعایی است که مخصوص اهل اسلام است. البته، آن هم عللی دارد که چرا؟ شاید در غیر اهل اسلام، امکانش نیست و شاید بدون حاکمیت اسلام، ممکن نیست که خدای متعال همه مفاسد را برطرف کند. اصلاً نمی شود. شرطش، اسلام است. پس، این یک طرف قضیه است. ضمناً، از کوچک بودن خواسته هم ابا نداشته باشید. خواسته های کوچک کوچک را هم از خدا بخواهید. در روایت است که حتی بند کفش خود را - که چیز خیلی حقیری است - از خدا بخواهید. روایتی است از امام باقر علیه الصلوة والسلام که می فرماید: «لاتحقرُوا صغيراً من حوائجكم فان أحبّ المؤمنین الي الله اسئلهم»؛ «حاجتهای کوچک را حقیر نشمارید و از خدا بخواهید.»

خوب؛ انسان به بند کفش احتیاج دارد؛ به در مغازه می رود و می خرد. این هم دعا لازم دارد؟! بله! تا احساس کردید که به بند کفش و یا هر چیز دیگر به این کوچکی نیاز دارید، دل را متوجه خدا کنید و بگویید: «پروردگارا! این را هم به من برسان.» رساندنش به چه ترتیب است؟ به این ترتیب است که پول در جیبم بگذارم، سر کوچه بروم، از مغازه بخرم و بعد هم آن را مورد استفاده قرار دهم. به هر حال، باید از خدا بخواهید. اگر چه به در مغازه رفتید، پول دادید و بند کفش خریدید؛ اما باز هم آن را خدا به شما داد. از غیر طریق خدا که چیزی به دست انسان نمی رسد. هر چه به ما می رسد خدا به ما می دهد.

چیزی را که خدا می دهد، قبلاً باید از خدا بخواهیم. چرا بخواهیم؟ یکی از علل این که گفته اند حاجات کوچک را هم از خدا بخواهید، این است که به حوائج و عجز و حقارت و تهیدستی خودمان توجه پیدا کنیم تا ببینیم که چقدر



تهیدستیم. اگر خدای متعال کمک نکند، امکان ندهد، نیرو ندهد، فکر ندهد، ابتکار ندهد و وسایل را جور نیاورد، همان بند کفش هم به دست ما نخواهد رسید. اگر شما به قصد خریدن بند کفش از خانه بیرون آمدید، در راه جیبتان را زدند یا پولتان گم شد و یا مغازه مورد نظر، بسته بود و یا در بین راه، حادثه مهمی پیش آمد که مجبور شدید برگردید، بند کفش گیرتان نیامده است. بنابراین، هر چیز را از خدا بخواهید؛ حتی بند کفش را، حتی کوچکترین اشیا را و حتی قوت روزانه خود را. بگذارید این من دروغین عظمت یافته در سینه ما - که می‌گوییم «من» و خیال می‌کنیم مجمع نیروها ما هستیم - بشکند. این «من» انسانها را بیچاره می‌کند. این هم مطلبی در باب دعا که انسان خواسته‌های خود را از طریق دعا به دست آورد.

حال نگاه کنید به حاجات خودتان، حاجات مسلمانان، حاجات کشورتان، حاجات برادران مؤمنان؛ به مریضها، به مریض دارها، به جانبازان، به غم دیده‌ها، به دل‌های غمگین، به چشم‌های نگران، به نیازهای فراوان انسانهایی که حول و حوش شما، زیر سقف شما و در کشور شما هستند، در دنیای اسلام هستند، روی کره خاک هستند. همه این حاجات را در این شب‌های قدر، یکی یکی از خدای متعال بخواهید. البته در مطلب بعدی، در این زمینه هم توضیحی عرض می‌کنم.

و اما، دومین چیزی که در دعا وجود دارد، معارف است. و این مخصوص دعاهایی است که از معصوم به ما رسیده است. امام سجّاد علیه الصلّٰة والسلام، «صحیفه سجّادیه» را به صورت دعا تنظیم فرموده و اصلاً دعا خوانده است؛ اما این کتاب، پُر از معارف الهی و اسلامی است. توحید خالص در صحیفه سجّادیه است. نبوّت و عشق به مقام تقدّس نبی اسلام علیه و علی آله الصلّٰة والسلام در صحیفه سجّادیه است. مثل بقیه دعاهای مأثور، معارف آفرینش در این کتاب است. همین «دعای ابوحمزه ثمالی» که مخصوص سحرهاست - سعی کنید آن را بخوانید و در معنایش توجه و تدبّر داشته باشید - و همین «دعای کمیل» که شب‌های جمعه خوانده می‌شود، از جمله دعاهایی است که سرشار از معارف اسلامی است و در آنها حقایقی به زبان دعا بیان شده است. نه این که آن بزرگوار - امام سجّاد علیه الصلّٰة والسلام - نمی‌خواسته دعا کند و دعا را پوشش قرار داده است؛ نه دعا می‌کرده، مناجات می‌کرده و با خدا حرف می‌زده است. منتها انسانی که قلبش با خدا و با معارف الهی آشناست، حرف زدنش هم این گونه است. حکمت از او سرریز می‌شود و دعای او هم عین حکمت است.

دعاهایی که ما می‌خوانیم، پر از حکمت است. در دعاهای مأثور از ائمه علیهم السلام که به ما می‌رسد، نکاتی عاید از معارف وجود دارد که حقیقتاً مورد احتیاج انسان است. آن بزرگواران با آوردن این نکات در دعاها به ما یاد می‌دهند که از خدا چه بخواهیم.

من از دعای شریف ابوحمزه ثمالی چند فقره برایتان عرض می‌کنم. این دعای طولانی، حالت مناجاتی عجیب دارد که در بخش سوم عرض خواهیم کرد. و اما لابه لای این مناجاتها، نیازهای واقعی انسان نهفته است. نیازهای واقعی آنهایی است که این بزرگوار از خدای متعال می‌خواهد. مثلاً در فرازی از دعا، خطاب به قادر متعال، عرض می‌کند: «أَرْغِدْ عَيْشِي»؛ «زندگی مرا زندگی گوارایی قرار بده». گوارا بودن زندگی، نه با پول، نه با قدرت و نه با داشتن زر و زور است. زیرا یک فرد، در عین برخورداری از همه این امکانات، ممکن است زندگی برایش گوارا نباشد. نگرانی‌ای دارد که زندگی برایش گوارا نیست. مشکل خانوادگی‌ای دارد که زندگی برایش گوارا نیست. اولادش مشکلی پیدا می‌کنند - العیاذُ باللّٰه، نستجیر باللّٰه، یکی از فرزندان وی، اخلاق بدی دارد - دیگر زندگی برایش گوارا نیست. خبر بدی به انسان می‌رسد؛ زندگی بر او تلخ و ناگوار می‌شود. این انسان، هم پول دارد، هم قدرت دارد، هم امکانات دارد؛ همه چیز دارد؛ اما زندگی گوارا ندارد. ممکن است انسان فقیری که زندگی خیلی ساده‌ای دارد و در اتاقی محقر، با عیال و فرزندش در عین تنگدستی گذران زندگی می‌کند، زندگی‌اش گواراتر از آن فرد همه چیزدار ثروتمند و قدرتمند باشد.



ببینید حضرت سجاد، علیه الصلوة والسلام، چگونه نقطه اصلی را مورد توجه قرار می دهد. می گوید: «أرغذُ عَيْشِي وَ أَظْهَرُ مَرْوَتِي»؛ «زندگی ام را گوارا و جوانمردی ام را آشکار کن.» ظاهراً معنای عبارت دوم این است که «میدانی به وجود آید، تا من در آن، صفت جوانمردی را به منصفه بروز درآورم.» نه این که «مردم ببینند من جوانمردم؛» نه. برای این که، اگر بخواهیم جوانمردی بروز پیدا کند، باید جوانمردی کنیم. صرف این که جوانمردی در درون انسان وجود داشته باشد، کافی نیست. انسان باید جوانمردی را به مرحله عمل برساند و نسبت به کسانی جوانمردی کند. این می شود «أظْهَرُ مَرْوَتِي».

در ادامه می فرماید: «وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي»؛ «همه کارهای من و احوال مرا اصلاح کن. حال دعای مرا اصلاح کن. حال زندگی معمولی من و خانواده ام را اصلاح کن. حال شغلی را که دارم، اصلاح کن. همه خصوصیات مرا اصلاح کن.» اصلاح هر امری، به حسب خودش، یک دعای کامل و جامع است. «وَأَجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطْلُتْ عُمْرَهُ وَ حَسَدَتْ عَمَلَهُ وَ أُنْمَمَتْ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ وَ رَضِيَتْ عَنْهُ وَ أَحْيَيْتَهُ حَيَوَةً طَيِّبَةً.» می گوید: «مرا از کسانی قرار بده که عمری طولانی توأم با عمل نیکو و همراه با نعمت کامل الهی و همراه با رضای پروردگار و حیات طیبه دارند.» آیا چیزی از این بهتر، وجود دارد؟!.

معصومین علیهم السلام، یاد می دهند که چه باید از خدا بخواهیم. چیزهایی که باید از خدا خواست، همانهاست که آن بزرگواران در ادعیه مطرح می کنند. بعضی در دنیا، به سراغ زیادهای زندگی می روند. می گویند: فلان معامله برای من جور شود. فلان سفر درست شود. فلان شغل گیرم بیاید. و... چرا انسان چیزهای اصلی را از خدا نخواهد؟! پیشوایان دین به ما یاد می دهند: «این گونه دعا کنید و این چیزها را از خدا بخواهید.» البته نوع دعاهایی که آنان به ما یاد می دهند، یک فصل طولانی را به خود اختصاص می دهد.

نکته دیگر این که، آنان در خلال دعاهای مذکور، نقطه های ضربه پذیر معنوی را به یاد ما می آورند و هشدار می دهند که «ممکن است از این نقاط ضربه بخورید و آسیب ببینید.» در همین دعای شریف «ابوحمزه»، در عبارتی می فرماید: «اللَّهُمَّ حَصِّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ وَ لَا تَجْعَلْ شَيْئاً مِمَّا أَتَقَرَّبُ بِهِ فِي أَنْاءِ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً وَ لَا سُمْعَةً وَ لَا أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا»؛ «خداوند! کاری کن که کارهای انجام شده از طرف من، ریا و سمعه نباشد. برای این که این و آن ببینند، نباشد. برای این که دهن به دهن بگردد، و مردم به هم بگویند خبر دارید فلان کس چه کار خوبی کرد و چه عبادات خوبی انجام داد، نباشد. از روی ناز و غرور، نباشد» آخر بعضی مواقع انسان کارهایی را از روی ناز و غرور انجام می دهد و به خود می بالد و می گوید: «آری! ما بودیم که این کار را انجام دادیم.»

اینها نباشد. اینها، آن نقاط ضربه پذیر است. انسان خیلی کارهای خوب انجام می دهد؛ اما با اندکی ریا و سمعه، آن کارها را «هباء منثورا» می کند. دود می کند و به هوا می فرستد. معصومین علیهم السلام به ما توجه می دهند و می فرمایند: «مواظب باشید این طور نشود!» «وَأَجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ» تا آخر.

پس، نقطه دوم این است که در این دعاها، معارف زیادی نهفته است. مثلاً در فقرات اول دعای کمیل، همه می خوانیم: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الَّذِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الَّذِي تَنْزِلُ التَّقْمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الَّذِي تَغْيِّرُ التَّعْمَ.» گناهی وجود دارد که پرده ها را می برد. گناهی وجود دارد که نعمت الهی را بر انسان نازل می کند. گناهی وجود دارد که نعمتها را از انسان می گیرد. «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الَّذِي تَحْبَسُ الدَّعَاءَ.» گناهی هم وجود دارد که دعا را حبس می کند.

پناه بر خدا! ممکن است انسان مرتکب گناهی شود که هر چه دعا کند، آن دعا بی اثر و بی فایده گردد. بی اثر شدن دعا چگونه فهمیده می شود؟ به این گونه که حال دعا از انسان گرفته می شود.

در این خصوص عبارتی را از بزرگی نقل کرده اند. نمی دانم روایت از معصوم، علیه السلام، است یا عبارتی از غیر معصوم. هر چه هست، عبارت حکمت آمیزی است. می گوید: «أنا من ان اسلب الدعا اخلف من ان اسلب الاجابة»؛



«از این که دعا از من گرفته شود بیشتر می ترسم تا این که اجابت از من گرفته شود.»
گاهی حال دعا از انسان گرفته می شود. این، علامت بدی است. اگر دیدیم در وقت دعا، در وقت تضرع و در وقت توجه و تقرب، هیچ نشاط و حوصله دعا نداریم، علامت خوبی نیست. البته درستش هم می شود کرد. انسان می تواند با توجه، با التماس و با خواستن، حال دعا را به طور جدی از خدا بگیرد. بنابراین، دیدیم که در دعای کمیل هم معارف وجود دارد. این هم نکته دوم.

و اما نکته سوم و آخر در دعا، آن مطلب اصلی دعاست. حتی دو نکته ای که عرض شد، نسبت به این نکته آخر، کوچک است. آن چیست؟ خشوع در مقابل پروردگار. اصل دعا، این است. این که می بینید از قول پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «الدعاء مخ العباد» «مغز عبادت دعاست» به خاطر آن است که در دعا حالتی وجود دارد که عبارت است از وابستگی مطلق به پروردگار و خشوع در مقابل او. اصل عبادت هم این است. لذاست که در ادامه آیه شریفه «و قال ربکم ادعونی استجب لکم» می فرماید: «ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین.» اصل دعا این است که انسان در مقابل خدای متعال، خود را از انانیت دروغین بشری بیندازد. اصل دعا، خاکساری پیش پروردگار است.

عزیزان من! هر جا که شما نگاه کردید - چه در محیط خودتان، چه در کشور خودتان و چه در سرتاسر دنیا - و بدی و فساد را از ناحیه کسی، مشخصاً دیدید، اگر دقت کنید مشاهده خواهید کرد که اساس و منشأ آن بدی و فساد، انانیت، استکبار، استعلا و غرور انسانی است. دعا باید این را بشکند.

من یک وقت می خواستم بحثی قرآنی در این خصوص عرض کنم که فعلاً مجالش نیست. بحث قرآنی مربوط به ماجرای حضرت موسی علیه السلام است که از آن ماجراهای عبرت آمیز و عجیب تاریخ است. درباره این ماجرا هرچه بگویم تمام نمی شود. واقعاً قرآن گنجینه عظیمی از تجربه موسوی برای ماست. در این ماجرای عجیب، یکی از نقاط برجسته، خراب و فاسد شدن کسانی از همراهان موسی علیه السلام است که از همراهی او برگشتند. من اینها را عرض می کنم تا کسانی که اهل تأمل در آیات قرآنند، دنبالش بروند.

در قرآن چند مورد از این مسائل داریم که یکی مربوط به سامری است، یکی مربوط به قارون است و یکی هم مربوط به کسانی است که از رفتن به داخل ارض مقدسه استنکاف کردند. اینها مصادیق رجعت و ارتداد است؛ و بنده یکی دو ماه پیش، درباره رجعت و ارتداد صحبت کردم. مثلاً قارون مبعوض خبیث ملعون الهی، آن قدر انسان بدی است که قرآن کریم بخشی را به او اختصاص داده است. مشکل قارون این جاست که وقتی حضرت موسی علیه السلام به او می فرماید «اموالی را که تو به دست آوردی، زینت است» و به نصیحت وی می پردازد، در جواب آن حضرت می گوید: «انما اوتیته علی علم»؛ «من آگاه و عالم و توانا بودم.» به تعبیر امروزی: «هوش و ذکاوت داشتم، زرنگی داشتم، سیاست بلد بودم. ناز شستم که این اموال را از این راهها به دست آوردم. به کسی مربوط نیست!» او نمی فهمید که اموال را خدا داده بود. کما این که جان را خدا به انسان می دهد، فرزند را خدا به انسان می دهد، دین را خدا به انسان می دهد و همه چیز مال خداست.

ای انسان نادان! چرا سرکشی می کنی؟! چرا اشتباه می کنی و می گویی «منم که این مال را به دست آوردم»؟! «من» کیست؟! خدای متعال به مبارزان فداکاری که به میدان جنگ رفتند؛ جانهایشان را در مقابل تیرهای دشمن سپردند؛ جنگیدند و بینی دشمن را به خاک مالیدند و نهایتاً دشمن را شکست دادند، می گوید: «و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی.» این تیرری که تو قبلاً نحوه انداختنش را یاد گرفتی، سپس نشانه گرفتی، دقت کردی و زدی تا این که به هدف خورد، کار تو نبود. تو آن را به هدف نزدی، بلکه خدا زد. نیروی من هم مال خداست، اراده من هم مال خداست. دقت نظر من هم مال خداست. اصلاً هر چه دارم مال خداست. آن وقت در مقابل این قدرت مالک محیط مدبری که همه چیز من در قبضه قدرت اوست، گردن بالا بگیرم و بگویم «من»؟! این، آن نقطه فساد بشری



است. هر جا این باشد، بد است و موجب فساد می شود.

فلان صهیونیستِ رئیس فلان کمپانی مثلاً چند ملیتی، اگر بگوید «من» و خیال کند سیاست دنیا را می چرخاند، یا مثلاً هیتلر آتش افروز، یا فلان رئیس جمهور طغیانگر امریکا، یا فلان دزد سر گردنه فلان نقطه، یا فلان شخص ملبس به لباس دین، اما در واقع دعوت کننده به نفس، یا من و شمایی که هیچ کدام از اینها هم نباشیم، اما در زندگی خود را بر هر چیز دیگر ترجیح دهیم و استکبار و استعلا بورزیم، اینها مایه فساد خواهد شد. البته هر چه انسان بزرگتر بود و قدرت بیشتری داشت، انانیت در او فساد بیشتری به وجود می آورد. اما اگر کوچک بود، انانیت فقط به ضرر خود اوست و فساد کمتری برای دیگران دارد. خاصیت دعا این است که نفسانیتها را می شکند. لذاست که گفته اند:

«حتی چیزهای کوچک را هم از خدا بخواه تا بفهمی که حقیری. بدانی که گاهی اوقات، یک پشه یا مگس، انسان را از کار می اندازد، و آسایش وی را می گیرد: «و ان یسلبهم الذباب شیئاً لایستنقذوه منه ضعف الطالب والمطلوب.» این است که دعا برای تضرع پیش خداست؛ برای عرض حاجت پیش خداست؛ برای تواضع و برای بیرون آمدن از پوسته دروغین استکبار و استعلاست. خدای متعال، گاهی برای من و شما مشکلاتی به وجود می آورد، تا وادار به تضرع و توجه و خشوعمان کند. همان طور که در آیات کریمه قرآن می فرماید: «و لقد ارسلنا الی امم من قبلک فاخذناهم بالأساس والضرأء لعلهم یتضرعون. فلولا اذ جائهم بأسنا تضرعوا و لکن قست قلوبهم و زین لهم الشیطان ما کانوا یعملون.» این تضرع، نه برای خاطر خدا، که به خاطر خود ماست. خدا احتیاجی به تضرع من و شما ندارد:

تیشه زان بر هر رگ و بندم زبند
تا که با مهر تو پیوندم زبند

این حالت تضرع است که دل را از عشق خدا پر می کند؛ انسان را با خدا آشنا می کند؛ انسان را از خودبینی و خودنگری فسادانگیز تهی می کند و او را از نور مقدس پروردگار و لطف الهی، سرشار می سازد. قدر این را بدانید که از همه چیز بالاتر است.

این، صحبت ما درباره دعا بود که البته اندکی گفته شد و بسیاری باقی ماند.

بسم الله الرحمن الرحیم

قل هو الله احد. الله الصمد. لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد.

من می خواهم در پایان این خطبه، چند دعا کنم. ان شاء الله توجه کنید و «آمین» بگویید. حدود ظهر است؛ روز جمعه است؛ اجتماع هم عظیم است و همه هم دهان روزه هستیم. امید است ان شاء الله در روز ماه رمضان این دعاها مستجاب شود.

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم و بالقرآن المستحکم و بولیّک و حجّتک یا الله! پروردگارا! بزرگترین حاجات ما، عبارت از طلب رضا و مغفرت توست. این بزرگترین دعای ماست که از همه چیز بالاتر است. پروردگارا! تو را به عزیزترین عزیزانت سوگند می دهیم، ما را در این ماه، مشمول رحمت و رضا و آمرزش خود قرار بده.

پروردگارا! در این ماه روزه، ما را از این ضیافت الهی، به قدر وافی و کافی برخوردار فرما.

پروردگارا! اخلاق بد، خصوصیات و شرایط بد، سیاهیها و تاریکیهایی را در دل و جان ما به وجود آورده است. تو را به نبی بزرگوارت که در دعای بعد از زیارت آل یاسین با «و کلمة نورک» - به عنوان کلمه نور - از آن بزرگوار اسم آورده شده است؛ تو را به آن برترین انوار ساطعه از اراده و قدرت تو که وجود مقدس خاتم الانبیاست، قسم می دهیم که دلهای ما را به نور معرفت و محبت خودت نورانی کن.

پروردگارا! تاریکیها و گمراهیها را از دلهای ما بزد.

پروردگارا! تو را به حق ولی و حجّت، مهدی موعود عزیز - که اگر قبول فرماید، ما سربازان و خدمتگزاران اویم - قلب مقدس او را در این روز جمعه از همه ما راضی و خشنود فرما.



پروردگارا! تو را سوگند می دهیم که ما را از دولت کریمه ای که مهدی عزیز در رأس آن است، برخوردار فرما.
پروردگارا! تو را به حقّ اولیاییت قسم می دهیم که رابطه ما را با قرآن، با دین، با ذکر، با دعا، با توسّل و با استشفاء،
روزبه روز قویتر کن.
پروردگارا! تو را به قرآن سوگند می دهیم که ایران اسلامی، این مرکز اوجگیری دوباره قرآن را مشمول رحمت و برکات
خودت قرار بده.
خدایا! ملت ایران را سرافراز کن.
خدایا! ملت ایران را پیروز کن.
خدایا! دشمنان ملت ایران را در هر جای دنیا که هستند سرکوب و منکوب کن.
خدایا! دل‌های ملت ایران را سرشار از لطف و وفای خود بگردان.
پروردگارا! تو را به حقّ اولیاییت سوگند می دهیم که محبّت آنان را روزبه روز در دل‌های ملت ما بیشتر کن.
پروردگارا! کسانی در گوشه و کنار عالم علیه این ملت، علیه این کشور و علیه حکومت قرآن، مشغول توطئه گری
هستند - که تو بهتر از ما آن توطئه ها را می دانی و می شناسی - به قدرت و قوّت قاهره خودت، همه توطئه
هایشان را نقش بر آب بگردان.
پروردگارا! دشمنان ما را به مشکلات خودشان مشغول بگردان.
پروردگارا! دشمنان بشریت را که همین قدرتهای بزرگ و رؤسای بعضی از کشورها هستند و نسبت به حقایق و فضایل بی
اعتنا و طرفدار ردّایل هستند، روزبه روز به مشکلات خودشان بیشتر مشغول کن.
پروردگارا! دشمنان این ملت را مقهور این ملت قرار بده.
پروردگارا! سخن حقّ این ملت را که غوغاهای تبلیغاتی نمی گذارند در دنیا به گوش انسانهای سالم برسد، در فضای
عالم طنین افکن بگردان.
پروردگارا! دشمنان ما را به کُلی از این ملت مأیوس کن.
خدایا! توفیق درک لیلۃ‌القدر را به همه ما مرحمت فرما و ما را از تفضّلات لیلۃ‌القدر محروم مکن.
پروردگارا! گرفتاریهای ملت ایران را برطرف کن و حاجات مردم ما را در هر کجا هستند برآورده فرما.
پروردگارا! انسانهای پاک‌ی را که در کشور ما برای تو زحمت کشیدند و کار و تلاش کردند، به طور وافر مزد و اجر عنایت
فرما.
پروردگارا! تو را به حق اولیاییت و تو را به حق صدیقه طاهره، فاطمه زهرا سلام الله علیها - آن گوهر عزیز خاندان
پیغمبر - سوگند می دهیم، همه جانبازان ما را شفا عنایت فرما.
پروردگارا! امید استجابت را از دل‌های ما مبر و دل‌های مهموم و مکروبی را که در میان ما، در ملت ایران، در میان
مسلمین و در میان همه انسانهای ستمدیده وجود دارد، شاد فرما.
پروردگارا! به محمّد و آل محمّد علیهم السّلام، همه مریضها را شفا عنایت کن. از همه گرفتارها رفع گرفتاری فرما.
همه حاجتمندان را حاجت روا بگردان. همه دشمنیها و کینه های بین مسلمانان را برطرف فرما. گرفتاریهای
کشورهای اسلامی را برطرف فرما.
پروردگارا! دل‌های ما به خاطر قضیه فلسطین و به خاطر مسلمانان مظلوم فلسطین و به خاطر مسلمانان بوسنی
هرزگوین و به خاطر مسلمانان چچن، خونین و مجروح است. اینها انسانهای مظلومی هستند که دنیا کمکشان نکرد.
دنیا در هیچ جا به مسلمانان کمک نمی کند. خدایا! مسلمانان زیادی در اطراف عالم - در کشمیر، در مناطق عربی، در
مناطق اروپایی، در قاره آمریکا و در نقاط دیگر جهان - گرفتاریها، مشکلات و ابتلائیاتی دارند. تو را به حقّ لیلۃ‌القدر،
تو را به حقّ شهید لیالی قدر، تو را به حقّ همه مؤمنانی که دعای آنها را در لیلۃ‌القدر مستجاب می فرمایی و تو را به



حقّ معصومین علیهم السّلام سوگند می دهیم گرفتاریهای آنها را بر طرف کن. آنها را بر دشمنانشان پیروز بگردان. پروردگارا! این دعاها را به کرمّت مشمول لطف و اجابت خودت قرار بده و حال دعا را از ما بگیر. والسّلام علیکم ورحمة الله.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله ربّ العالمین. والصّلاة والسّلام علی سیدنا و نبینا و حبیب قلوبنا ابی القاسم محمّد و علی آله الأطیبین الأطهرین المنتجبین. سیّما علی امیرالمؤمنین و صدیقة الطاهرة سیّدة النساء العالمین و الحسن و الحسین و سبطی رحمه و امامی الهدی و علی بن الحسین زین العابدین و محمّد بن علی الباقر و جعفر بن محمّد الصادق و موسی بن جعفر الکاظم و علی بن موسی الرضا و محمّد بن علی الجواد و علی بن محمّد الهادی و الحسن بن علی العسکری و الحجّة القائم المهدی؛ حججک علی عبادک و امنائک فی بلادک. و صلّ علی ائمّة المسلمین و حماة المستضعفین و هداة المؤمنین. اوصیکم عبادالله بتقوی الله.

در این خطبه، می خواهم فقط یک مطلب را خیلی مختصر عرض کنم و بگویم: امتیاز بزرگ انقلاب ما این است که تکیه اش به مردم بوده است. حلّ مشکلات هم - از هر نوعی باشد - فقط در سایه ملت ممکن خواهد شد. علت این هم که دشمن تاکنون نتوانسته به این کشور و این نهضت آسیبی وارد کند، همین است که مردم پشتوانه واقعی انقلابند.

حرکتی که شما ملت ایران در روز بیست و دوم بهمن امسال از خود نشان دادید، یکی از همان حرکات معجزآسای بود که ضربه قاطع را بر بسیاری از توطئه ها و دشمنیها وارد آورد و توطئه گران و دشمنان را ناکام گذاشت. همیشه همین طور بوده است و بعد از این هم باید همین طور باشد. شما از بیست و دوم بهمن پارسال، یا از روز قدس پارسال تا امسال، یک سال تبلیغات دشمن را با این حرکت، خنثی کردید. برای یک نظام از دست دادن پشتوانه مردمی، ضرری بسیار بزرگ و عیبی غیرقابل توصیف است. در واقع، از همه عیوب بالاتر این است که یک نظام پشتوانه مردمی نداشته باشد. امروز در کشورهای خاور میانه و نیز کشورهایی که امریکا آنها را جزو دوستان خود به شمار می آورد، نظامهای متعدّدی هستند که هیچ پشتوانه مردمی ندارند. در سطح جهان که نگاه کنید، از این گونه کشورها با نظامهای مختلف خواهید دید و خیلی هم لازم نیست راههای دور بروید. این کشور اسلامی، این کشور قرآنی و این کشور مردمی، چشم دشمنان را کور می کرد. برای همین، سعی کردند پیوسته در تبلیغاتشان تکرار کنند که «مردم از اسلام و نظام و دولت جمهوری اسلامی روگردان شده اند و دیگر آن را قبول ندارند!» حتی این مطالب را در رادیوهایشان هم می گفتند.

امسال بیست و دوم بهمن صحنه آزمایش عجیبی بود که شما ملت ایران نشان دادید و در واقع مشت محکمی بر دهان یاهو گویان زدید. اگر من بخواهم از شما با یک جمله سپاسگزاری کنم، باید عرض کنم: امیدوارم قلب مقدّس ولی عصر ارواحنا فداه از شما ملت ایران به خاطر این عمل راضی باشد. ان شاءالله این کار شما مورد شکرانه آن بزرگوار بوده است و خواهد بود. این علاج را در همه قضایا مدّ نظر داشته باشید.

البته اگر کسی بعد از بیست و دوم بهمن، رادیوهای بیگانه را گرفته باشد، متوجه می شود که چقدر آنها عصبانی بودند. چرا و به چه دلیل؟ به این دلیل که با حرکت عظیم و غیر قابل توصیف شما مواجه شده بودند. حقیقتاً این حرکت عظیم و کثرت استقبال مردم و آنچه که در خیابانهای تهران و شهرستانها اتفاق افتاد، غیرقابل توصیف بود. اما اینها سعی کردند چنین حرکتی را کوچک جلوه دهند. خوب؛ بگو: بی عقلها! شما می خواهید روی چه کسی اثر بگذارید؟! با که دارید حرف می زنید؟! همان مردمی که به چشم خودشان دیدند که واقعیت چه بود؟ به اینها می گوئید «چیزی نبود!» اجتماع میلیونی عظیم مردم تهران را بگویند «چند ده هزار!» بعضی می گویند «چند هزار!» این اجتماع میلیونی کم نظیر، چند هزار بودند؟!!



بنده در روز بیست و دوم بهمن که حضور عظیم مردم را دیدم، به ذهنم رسید امروز در دنیا هیچ کشوری نیست که دولتش بتواند این حجم عظیم از مردم را به خاطر هر شعاری که باشد به خیابانها بکشانند. نه دولت امریکا چنین قدرتی را دارد و نه دولتهای اروپایی و جهان سوم از چنین قدرتهایی برخوردارند. هیچ کشوری نیست که بتواند چنین حرکتی عظیمی را در دنیا نمایش دهد. البته در ایران هم هیچ کس مردم را به خیابانها نکشانند. مردم به طور خودجوش حرکت کردند؛ چون کس در ایران، مردمندهد. دولت هم مردم است، مسؤولین هم مردمندهد، حکومت هم دست مردم استنظام هم مال خود مردم است. این را از دست ندهید.

آخرین مطلب این که، امریکاییها تلاش می کنند، حرص و جوش می خورند، یقه درانی می کنند، با همه مردم و دولتهایی که دستشان به آنها می رسد و یا ممکن است برسد، خط و نشان می کشند، بلکه بتوانند ملت ایران را زیر فشار قرار دهند؛ بلکه بتوانند دولت ایران را وادار به تسلیم نمایند؛ بلکه بتوانند این مقاومت شانزده ساله را مخدوش کنند.

من در حضور جمعیت عظیمی که امروز در نماز جمعه تهران شرکت کرده اند و در حضور آحاد ملت ایران، از زبان خود ملت ایران می گویم: ای دشمنان ملت ایران! بدانید که با این ترفندها و با هیچ ترفند دیگری، نمی توانید ملت ایران را به زانو درآورید.

پروردگارا! این شور و نشاط را که جز با لطف و فضل و نظره رحیمه تو ممکن نیست در ملتی به وجود آید، روزبه روز در این ملت بزرگ و در این بندگان شایسته خودت، بیشتر کن.

پروردگارا! به حق محمد و آل محمد علیه السلام، شهدای بزرگوار ما؛ آن انسانهای عظیم القدر و برجسته ای که از جان خودشان مایه گذاشتند تا ملت ایران و ایران را به این نقطه از عظمت و کمال رسانند، در این روزها و در شبهای قدر و هم در این ساعت، مشمول رحمت و فضل و مغفرت خودت قرار بده.

پروردگارا! سلسله جنبان شهیدان؛ آن انسانی که به همت و اراده او همه این حرکت عظیم در ایران به راه افتاد، یعنی امام بزرگوار ما را مشمول انوار رحمت و فضل خود قرار بده. او و شهدای ما را با پیغمبر و اولیای محشور فرما و قلب مقدّسشان را از ما راضی کن.

بسم الله الرحمن الرحيم. انا اعطيناک الکوثر. فصل لربک والنحر. انّ شانک هو الابر. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.